



عبدالرووف نفیر فاریابی فرزند محمد رسول قلی ارلات متولد به سال ۱۳۰۵ هـ ش. وی از ملیت اوزبیک بوده در قریه اونجلاد (اونجه ارلات) مربوط ولسوالی حضرت امام صاحب ولایت فاریاب در یک خانواده منور دیده به جهان گشود، تعلیمات ابتدایی را در مکتب ابتدایی اونجلاد تکمیل کرد و تعلیمات متوسطه را در شهر میمنه به پایان رسانید.

تا سال ۱۳۵۵ که آخرین سال کارهای دیوانی وی بود، در محاکم بلخ، فاریاب، تخار و جوزجان کارهایی داشت. عبدالرووف نفیر از همان آوانی که سوادش برآمد به مطالعه آثار تاریخی و شعری علاقه خاص داشت. او به زبانهای دری و اوزبیکی آثار فراوانی دارد و کارهایی هم در زمینه تذکره نگاری و لغت نویسی انجام داده است. رساله «سخنوران جوزجانان» او که در برگرفته شرح حال شعرایی از علاءالدین اندخویی تا نادم قیصری است قابل توجه و دقت میباشد. این رساله به گونه پراکنده در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۱ در جریده ستوری قسماً چاپ شده است. (رنگین کمان شعر، مجموعه مؤلفین، ۱۳۶۹، میمنه، مطبوعه دولتی فاریاب، ص ۱۱۰)

نفیر فاریابی در داعیه جهاد بر علیه قوای اشغالگر روس در فاریاب سهم قابل ملاحظه گرفت. و جهاد خود را با خسته گی ناپذیری از جبهه فرهنگ آغاز کرد و با تأسیس مکاتب دهاتی در مناطق تحت تسلط مجاهدین در فاریاب همراه با دیگر خدمتگذاران عرصه معارف چون مرحوم عبدالقدوس خان معلم به اولاد مردم علم و دانش آموخت، به اهتمام وی دهها باب مکتب و تحفیظ قرآن کریم و ملای خانه گی در مناطق مختلف فاریاب که دور از ساحه کنترل دولت وقت بود، تأسیس گردید. وی ناصر خسرو وار سوار بر مرکب و گاهی پای پیاده از آن سوی مرزها، خورجینهای انباشته از کتاب را حمل میکرد، تا روحیه مقاومت ملی و جهاد بر علیه بیگانه گان را از آبشخور فرهنگ و معنویات سیراب کند. شادروان نفیر در دوران جهاد کارهای قابل یادکردی در عرصه فرهنگی و عرفانی انجام داد. از آن شمار میتوان از تجدید چاپ اثر معروف لکسیکالوژی (محاکمه اللغتین) امیر علیشیر نوایی نام برد که با مقدمه و اهتمام وی از طریق سلسله نشرات فرهنگی (اتحادیه اسلامی ولایات سمت شمال) در پاکستان چاپ گردید.

نفیر فاریابی به زبان‌های اوزبیک، دری، پشتو و تورکی استانبولی تسلط تمام داشت و برخی از اشعار از وی به زبان تورکی موجود است. وی در عرفان و تصوف نیز دل‌بسته‌گی تمام داشت و پیرو طریقت نقشبندیه بود. نامبرده بر علاوه شخصیت فرهنگی یکی از مبارزین و شخصیت‌های ملی در صفحات شمال کشور بوده و در راه احقاق حقوق حقه ملیت‌های محکوم کشور، بخصوص جامعه تورکی زبانان افغانستان مبارزاتی خسته‌گی ناپذیر انجام داد.

نفیر فاریابی برخی مکاتبات شعری با محمد امین سادم (اوجقون) یکی از مبارزین ملی و شعرای تورکی‌گوی کندوزی الاصل (فعالاً مقیم عربستان سعودی) انجام داده است. همچنان وی با ایرگش اوجقون (رفیق فطرتی) شاعر رسالت‌مند اوزبیک (فعالاً مقیم ایالات متحده آمریکا) علایق ایجاد نزدیکی داشته است. همچنان با فقید نورالله خان قرایی نیز همسویی فکری داشت.



مرحوم نفیر تخمیس‌های زیادی بر غزل استادان ادب تورک- اوزبیک چون امیر الکلام نوایی، محمد فضولی، مولینا لطفی هروی، میرزا سلطان حسین بایقرا، ظهیر الدین محمد بابر و همچنان ابن یمین معروف به «ملا اکه» جوزجانی بسته و یا هم با سرودن نظیره به استقبال آنها رفته است. قوت طبع و ایجاد وی به زبان اوزبیک در افاده مضامین ملی و حماسی در حد استادی است. وی شناخت وسیعی از تاریخ و پیشینه فرهنگی تورک‌ها داشته و این نکته او را از ایجاد کاران دیگر متمایز می‌سازد. وی کارهای در خور تأملی در راستای فولکلور شناسی انجام داده است، به همین‌گونه در قسمت طرح معما و تعمیه‌سرای و صورت حل آن دست بلندی داشت.

شادروان نفیر فاریابی در دوران جهاد بر علاوه پاکستان به ایران و ترکیه سفر نموده و با دانشمندان آنجا به تبادل افکار پرداخت، وی تقریباً هفت سال از عمر خود را در بجنوبه جهاد به طور پراکنده در پاکستان گذرانید. حُجْم کُلّی آثار نفیر فاریابی بر اثر بی توجهی و حوادث روزگار در امان نمانده است.

همچنان وی با مستشرق معروف انگلیسی «جوناتن - ال - لی» چندین بار در میمنه ملاقات نموده و اکثریت معلوماتی که در رابطه به تاریخ و تشکیل اتنیکی میمنه و فاریاب به قلم این مستشرق نگاشته شده، از وی اخذ گردیده است. چنانچه در رساله «تاریخ میمنه از اوایل اسلام تا قرن بیستم» مرحوم نفیر اشاراتی به آمدن جوناتن ال - لی در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۵۰ دارد.

مرحوم نفیر یک مسلمان کامل آگاه و معتقد و عالم به مسایل شرع شریف محمدی صلی الله علیه وسلم بود. در ضمن آگاه به مسایل قضایی و حقوقی بود، در مسایل میراث از لحاظ شرعی به حدی وارد بود که پیچیده ترین مسایل میراثی و ترکه را به نیکوترین وجه مطابق احکام شرع شریف حل مینمود. قضات وقت و مسؤولین امور قضایی در صورت بروز مشکلات از وی استمداد میجستند و بیشتر اوقات اهل قضاء و قضات وقت جهت آموزش مسایل قضایی و احکام آن نزد وی آمده زانوی ادب را بوسه میدادند. وی بعد از دوران تقاعد و بازنشستگی در زمان حاکمیت داؤود خان در سال ۱۳۵۲ با گشایش «دار الوکاله» به دستگیری و معاونت آن عده از هموطنانش که زیر چکمه‌های سیاست استبدادی وقت حقوق ملی و اجتماعی شان لگد کوب میگردد، شتافت و سالها به حمایت از حقوق مدنی و شرعی آنان پرداخت.

برخی آثار وی در جریده فاریاب طی دهه چهل و پنجاه با اسم‌های مستعاری چون «ع - ارلات» و «اونلی» نشر گردیده است. وی دارای یازده فرزند، شش دختر و پنج پسر به نام‌های ظهیر الدین محمد بابر و توغرل بیگ و سه پسر دیگر بود که فعلاً فرزندان شان در فاریاب (منطقه سبز، اونجه ارلات) زنده گی میکنند.

مرحوم نفیر فاریابی به روز ۱۷ سنبله سال ۱۳۷۱ در دشت بلوچ پایین در اثر یک توطئه خائینانه، به طور وحشتناکی به شهادت رسانیده شد. (امروز از شهادت این ابر مرد علم و ادب، درست بیست و سه سال میگذرد. بولوت)

منبع: رنگین کمان شعر (تذکره سخنوران فاریاب)، مجموعه مؤلفین، ۱۳۶۹، میمنه، مطبعة دولتی فاریاب، ص ۱۱۰.

یاد آوری: در سال ۲۰۰۷ با دوستان عزیزم سهیل ارلات و بکتاش یره ش، سفری به میمنه داشتیم. درین سفر با پسر ارشد مرحوم عبدالرووف نفیر فاریابی، محترم ظهیر الدین محمد بابر، در زادگاه شان (اونجه ارلات) منطقه سبز ولایت فاریاب دیدار و ملاقات نمودیم. در آنجا از کارکرد ها و زندگی استاد، خاطرات ماندگار و روابط اجتماعی ایشان معلومات حاصل نمودم. بعد از بازگشت تصاویر و زندگینامه مرحومی را با خود گرفتم. این تصویر تا به حال شاید در هیچ یک از رسانه ها چاپ نشده باشد.

«بولوت افغانستان»

Presented by:



BAYANI SOCIAL & CULTURAL FOUNDATION
www.bayanifoundation.com